

حقانیت رئیس جمهور کرزی در دفاع از حاکمیت ملی!

تجربه سال های اقتدار چپی های پیرو دولت شوروی، رهبران مجاهدین و طالبهای وابسته به دولت پاکستان و ایران ثابت کرد که آنها همه چیز مردم و کشور را بر سر اهداف دولت های بیگانه و منافع آنی و زودگذر خود تار و مار کردند که با گذشت بیش از سی سال تا هنوز ما به اصطلاح روشنفکران منتقد نتوانسته ایم برای زخم و درد و زهر مسمومیت فکری مردم یاد زهری ساخته باشیم، حتی خود از خواب سنگین هزار ساله چندان بیدار نشده ایم که دنیای امروز را بروشنی ببینیم.

ما که نقص و کمبود را در خود و جامعه خود نمی بینیم دولت ایالات متحده آمریکا و جامعه جهانی را محکوم می کنیم که چرا بکشور ما تجاوز کردند و یا چرا پس از سقوط رژیم طالبان از عناصر خوب، یک دولت خوب و کارا نساختند، آخر باید اینرا دریافت که دولت یعنی قدرت و قدرت خوب یا بد از دل جامعه بیرون می آید، دولت سراپا فاسد است باید پذیرفت که جامعه فاسد است زیرا دولت از دل همین جامعه بوجود آمده است، اگر در گذشته چیزی بنام ارزشهای اخلاقی و تعداد محدودی شخصیت های ملی و آگاه داشتیم در مدت بیست سال جنگهای داخلی و خارجی از میان رفتند و دیگر چیزی بنام ارزشهای ملی اخلاقی و انسانی باقی نمانده بود، پس از سقوط رژیم طالبها نیروهای حاضر در صحنه همین جنگسالاران بودند که هر کدام یکتعداد افراد مسلح را در کنار خود داشتند، با این وضع آیا دولت امریکا درحالیکه به حمایت همین جنگسالاران علیه طالبان می جنگید، میتواند در تشکیل دولت جدید موجودیت و نفوذ آنها را بحساب نیاورد؟

آنهايي که هر کدام یکتعداد افراد مسلح را باخود داشتند و بالعکس نظر روشنفکران و تکنوکراتهای سابق که مدعی بودند جنگسالاران پایه مردمی ندارند ولی در اولین انتخابات ریاست جمهوری دیدیم که جنگسالار عبدالرشید دوستم با بدست آوردن هشتصد هزار رای از میان قوم خود پایه مردمی و قدرت خود را نشان داد. حاجی محمد محقق از حزب وحدت با بدست آوردن بیش از یک میلیون رای نفوذ خود را در میان قوم هزاره به ثبوت رساند.

محمد یونس قانونی از گروه « جمعیت اسلامی» باکسب رای صدها هزار انسان تاجک و غیرتاجک نفوذ مردمی خود، قسیم فهیم، برهان الدین ربانی و برادران مسعود را نشان داد.

حامد کرزی نه صرفاً به حمایت دولت امریکا بلکه به پشتیبانی قوم پشتون و بخشی از اقوام دیگر پنجا و دو فیصد آرای مردم را کسب نمود که بحیث اولین رئیس جمهورانتخابی شناخته شد، این واقعیت مصداق این اصطلاح است که « آنچه در دیگ باشد به چمچه می آید».

لذا، اگر امروز بسیار کسانی از بدی دولت و فساد گسترده در کشور سخن میگویند تردیدی در آن نیست، اما بدون در نظر گرفتن عوامل داخلی و خارجی، اینهمه مشکل را صرف به ضعف رئیس جمهور کرزی نسبت دادن بسیار غیر واقعیبانه و دور از انصاف خواهد بود و از سوی دیگر با اینگونه طرز برخورد به مسایل بوده که ما از شناخت درست جامعه و سیاستهای منطقی و جهانی تهی و بی بهره باقی مانده ایم.

جناب رئیس جمهور کرزی برغم ضعف ها و اشتباهاتی که در امور اداره کشورتا حال از خود نشان داده است، بلا تردید دست آوردها و موفقیت هایی هم داشته است که به موارد عمده آن اشارتاً پرداخته میشود.

در بخش سیاست داخلی:

سیاست که هم تنازع اندیشه ها و هم تنازع نیروهاست اما جناب کرزی که در آغاز کار به عنوان رئیس اداره موقت و دولت موقت نه چندان از نفوذ بالفعل قومی برخوردار بود و نه هم در راس کدام گروه مسلح قرار داشت دو سه سالی در میان دو فشاری از سوی جنگسالاران و قوای ناتو به رهبری امریکا بسر می برد، مجبور بود بیشتر به سازش و تیبانی تن دهد و در تحت چنین شرایطی با عناصر داخلی مخرب، کار شکن و استفاد جو دست و پنجه نرم کرده و بسازد و همچنان به تصامیم درست و یا نادرست مشاورین امریکائی گردن نهد، تا اینکه آهسته آهسته با زیرکی و هوشیاری توانست کمی جای پای خود را در قدرت محکم نماید.

طوریکه گفته شد در یکچنین وضعیتی انجام وظایف دولت موفقیت آمیز و رضایت بخش نبود و از سوی دیگر متأسفانه قدرت تخریبی فراوانی که مردم ما دارند جای تعجب است که چگونه کرزی توانسته مدت نه سال جایگاه خود را در مقام ریاست حفظ کرده و با مهارت و حوصله مندی خاص توانسته در برابر هر یک گذشت های زیادی کند و توازن قدرت را در بین عناصر متخاصم حفظ نماید و بلاخره موفق شود، گذشته از دیگر وزارت ها، وزارت دفاع و داخله را که بخش مهمی در تامین امنیت و حاکمیت ملی یک کشور بحساب می آید، تحت اتوریته خویش در آورده و

نهاد ولسی جرگه را نیز رام و راضی نگهدارد تا آنجا که هرگاه خواسته بعضی قوانینی را بدخواه خود از آن طریق به تصویب برساند و برای وزرای مورد علاقه اش رای اعتماد بگیرد و هر وزیری را که نخواسته یا خود آنرا برطرف نموده و یا او را از طریق پارلمان مواجه به سلب اعتماد نموده بکنارش زده است و بدین ترتیب از برخورد های مسلحانه میان گروهی جلوگیری کرده و دولت را از یک حالت انارشی بیک نظم نسبی رسانده است.

در بخش سیاست خارجی :

اعتراض و مقاومت رئیس جمهور کرزی در برابر عملکرد نا هنجار قدرتهای خارجی و در راس دولت ایالات متحده امریکا بخاطر رسیدن به استقلال و حاکمیت ملی پسندیده و ضروری می نماید و از این موضع تبارز اختلافات نیز امر طبیعی بوده که در اینجا به چند مورد عمده آن مختصراً پرداخته میشود:

۱- برای هر دولتی مدعی دفاع از حق حاکمیت ملی یکی هم از اساسی ترین وظایف آن دولت دفاع از جان و مال و حیثیت اتباع آن کشور است و در مورد عملیات نظامی امریکا در افغانستان از آنجائیکه کرزی و بعضی اعضای دولت وی از دیر زمان اینرا میدانسته اند که حامی اصلی تروریستها سازمان استخبارات نظامی پاکستان و سازمان القاعده بوده و بالاخره بر اساس هزاران قطعه اسناد و مدارک انتشار یافته حال دیگر همه مردم جهان نیز میدانند که مسایل جذب افراد، تربیت و تجهیز و فرستادن آنها برای عملیات تروریستی علیه نیروهای ناتو و دولت و مردم افغانستان روی اهداف معین کار دولت پاکستان و سازمان القاعده است، ولی با اینحال امریکائی ها بعد از سقوط رژیم طالبان تا کنون همواره بیشترین عملیات نظامی بخصوص بمباردمان هوائی خود را در خاک افغانستان متمرکز نموده اند و تا جائیکه معلوم شده در عملیات مذکور هر بار در برابر یک نفر طالب ده ها نفر افراد ملکی مرد و زن و طفل افغان بقتل رسیده اند، لذا کرزی گذشته از مسؤولیتی که به عنوان رئیس دولت در برابر مردم کشور دارد حق داشته تا صدای اعتراض خود را در مقابل عملیات هوائی غیر انسانی و بی ثمر امریکائی ها در افغانستان بلند نماید و سیاست نادرست و نا روشن دولت امریکا را در برابر دولت پاکستان که حامی اصلی تروریزم بین المللی است محکوم نماید. بر اساس سیاست نادرست امریکا که سالانه از یک تا دو میلیارد دالر به عنوان باج به حکومت پاکستان پرداخت شده نه تنها در ظرف نه سال باعث تضعیف و شکست تروریزم در منطقه نشده بلکه سبب تشویق بیشتر نظامی های پاکستانی و تروریستها شده و این جنگ شکل یک داد و ستد تجارتي را بخود گرفته است و این جنگ بی سر انجام با صرف صد ها میلیارد دالر طبیعتاً که اعتراض مردم افغانستان، افکار عامه جهان و بالاخص مردم امریکا را به همراه داشته و چون مسؤولین حکومت امریکا گفته نمیتوانند که ستراتیژی و سیاستهای شان در قبال افغانستان و پاکستان غلط طراحی شده است و دلیل قانع کننده برای مردم خود ندارند ناچار همه تقصیر خود را به فساد اداری در دولت افغانستان و نارسائی وضعف اداره کرزی توجیه و تبلیغ می نمایند.

۲- چرا دولت امریکا نه سال به سیاست باج خواهی پاکستان تن داده است؟

درین ارتباط بعضی تحلیل گران ادعا دارند که حمله امریکا به افغانستان زیر نام مبارزه علیه تروریزم چیزی جز بهانه ای بیش نبوده و اساساً حضور امریکا و متحدین آن در آنجا برای کنترل نفت و انرژی در خلیج فارس و آسیای میانه در برابر تقاضای نفت بیشتر و رشد قدرت اقتصادی روز افزون چین میباشد، ولی این استدلال چندان منطقی و قانع کننده بنظر نمیرسد زیرا دولت امریکا با هر بهانه دیگر و یا با پرداخت پول کمتر می توانست در جاهای دیگری مثل قرغیزستان، تاجکستان، قزاقستان و پس از سقوط رژیم طالبان در افغانستان ایجاد پایگاه نظامی نموده و ضرورت به اینهمه ادامه جنگ و تقیل مصارف هنگفت و تلفات جانی نبود، اما معلوم شده که تروریزم بعنوان یک پدیده جهانی تحت رهبری سازمان القاعده و پایگاه آن در پاکستان بحمايت نظامی های آنکشور یک واقعیت و حقیقت انکار ناپذیر است و عملیات ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ صرفاً تخریب دو سه ساختمان نبود بلکه علاوه از تلفات سه هزار انسان، هزار ها میلیارد دالر به اقتصاد امریکا و جهان سرمایه خساره وارد نموده است و تا زمانیکه این پدیده سرکوب نشود مردم امریکا و جهان اطمینان به معصونیت و آرامش را نخواهند یافت. بهر صورت پاسخ به سوال بالا مبنی بر تن دادن امریکا به سیاست دو پهلو پاکستان و باج دهی به آنکشور از آنجائیکه این مسایل یک مقدار بغرنج بوده و چندان روشن نیست فقط با حدس و گمان میتوان گفت :

اختلافات و تضاد های درون جامعه پاکستان چه از لحاظ ترکیب ناهنجار قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی و چه از لحاظ اختلافات طبقاتی و تشکیلاتی آنکشور بیک انبار باروت تبدیل شده است. با این وضع اگر از سوی امریکا به آنکشور فشار زیاد وارد گردد ممکن آتش جنگ بین دو کشور درگیر و با موجودیت سلاح های اتمی در پاکستان وضعیت نهایت خطرناک و خارج از کنترل بوجود آید لذا شاید با در نظر داشت همین علل دولت امریکا با مدارا بازی دوگانه را پیش می برد تا مبادا وضعیت بسیار بدتر از عراق در آنجا بوجود آید.

د پائو شمیره: له ۲ تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولی

این سیاست سازش کارانه آمریکا در مورد پاکستان یکی دیگر از موارد اختلافی است بین کرزی و دولت امریکا، و این سیاست باعث شده که شب و روز دولت کرزی سیاست امریکا را مورد انتقاد قرار داده که چرا در اثر بمباران هوایی خانه و جان مردم بی گناه افغانستان را نابود میکند و با قاطعیت با دولت پاکستان برخورد نمیکند.

۳- فرمان رئیس جمهور کرزی راجع به منحل ساختن مؤسسات خصوصی سیکوریتی در افغانستان:

افراد و مؤسسات خصوصی مسلح چون بلک و اتر و غیره که تعداد آن بالغ بر چهل هزار نفر تخمین زده شده است که سیکوریتی اشخاص و ادارات خارجی را در افغانستان تأمین میکنند، به باور رئیس جمهور کرزی موجودیت آنها علاوه از فعالیت های منفی و مخرب، نقض حاکمیت ملی افغانستان بوده و دولتی در دولت به حساب می آیند چه در حال حاضر وزارت داخله ادعا دارد که ما خود قادر به انجام این وظایف هستیم و نیازی به این بخشهای خصوصی نیست. این مسأله که از چندی بدینسو سبب ایجاد اختلاف میان کرزی و مقامات امریکائی را فراهم آورده و انتقادات زیادی بین دو طرف رد و بدل شده سرانجام نماینده حکومت امریکا در امور افغانستان و پاکستان بیان داشت که چنین تصمیمی بجاست و آقای کرزی کاملاً حق داشته که چنین فرمانی را صادر نموده است.

۴- اعتراض رئیس جمهور کرزی نسبت به شرکت دو نفر روسی در همکاری با ناتو به مقصد مبارزه علیه مسایل مواد مخدره در خاک افغانستان بدون موافقت حکومت افغانستان!

اگر در مبارزه علیه کشت کوکنار، تولید هیروین و انتقال آن بصورت قاچاق از افغانستان به جاهای دیگر بین دولت افغانستان، سازمان ملل متحد و ناتو قبلاً توافق حاصل شده است، نیروهای ناتو حق دارند به استحضار نهاد های مسؤول افغانستان در زمینه اقدامات لازم را بعمل آرند، اما این بدین معنا نیست که خارج از قوای ناتو فرد یا افرادی چه ملکی یا نظامی از کشور دیگری بدون استحضار رسمی دولت افغانستان در عملیات مبارزه علیه مواد مخدر با قوای ناتو در خاک افغانستان سهم گیرد و از آنجائیکه روسها شامل قوای ناتو نمی باشند حق هیچ نوع شرکت در عملیات را در خاک افغانستان ندارند چه خلاف قانون بین دول و نقض حاکمیت ملی افغانستان محسوب میشود، با در نظر داشت این مسأله دو نفر روسی در عملیات تخریب لابراتوار های تولید هیروئین و نابود کردن مواد مذکور در منطقه سرحد شرقی کشور یک عمل غیر قانونی بوده احتجاج و اعتراض خشم آگین جناب کرزی در این مورد به عنوان دفاع از حق حاکمیت ملی کاملاً بجاست ولی اینرا هم کرزی گفته است هرگاه دولت روسیه در زمینه مبارزه علیه تولید و قاچاق مواد مخدر حاضر به یاری و همکاری رسمی با دولت افغانستان باشد با کمال میل از آن استقبال می نماید.

۵- اعتراف کرزی بگرفتن پول نقد از حکومت ایران:

پرداخت پول نقد از سوی حکومت های مقتدر به زمامداران حکومت های ضعیف بر اساس اهداف منفعت جویانه، سابقه طولانی داشته و چیز تازه ای نیست، بخصوص درسی سال اخیر پرداختن پول نقد بصورت مخفی از سوی دول خارجی بمقامات حکومت افغانستان و روسای تنظیم ها و قوماندانهای افغان بیک روند عادی تبدیل شده و کمتر فردی در راس حکومت و گروه ها پیدا خواهد شد که از گرفتن پول های نقد از سوی حکومت خارجی امتناع ورزیده باشد ولی هیچکس تا امروز چون کرزی به اخذ غیر قانونی پول از حکومت خارجی اعتراف نکرده است، یکبار دیگر نیز بیاد داریم که چند سال قبل جناب کرزی بحیث رئیس اداره مؤقت حین برگشت از سفر امریکا به فرانسه در سالون وزارت خارجه فرانسه یاد آور شد که در یک سفر قبلی از امریکا به افغانستان در دوبی متوجه شده بود که در یک بکس سفری وی امریکائی ها دو صد هزار دالر گذاشته اند او گفت یک بخش پول مذکور را به وزارت تعلیم و تربیه و یک بخش دیگر آنرا بکدام موسسه خیریه پرداخته است.

بهرحال ضمن رد همچو معاملات مخفی و غیر قانونی باید اینرا دریافت که در اوضاع و شرایط موجود کشور در عقب این داد و ستد، هریک در پی چه اهدافی هستند؟

درین ارتباط باز هم فقط میتوان به حدس و گمان تکیه کرد زیرا مسایل کاملاً پوشیده و مدرکی در دست نیست لذا میتوان گفت حکومت ایران که دولت امریکا و اسرائیل را دشمن درجه یک خود میدانند و هر آن از سوی هر دو طرف حاکمیت خود را در خطر می بیند، کوشیده با صرف خرید صدها میلیون دالر سلاح از روسیه و همچنان ساخت و تولید سلاح های مثل راکت در داخل کشور و با پرداخت پول نقد به احزاب و حکومت های همسایه به زعم خود به اصطلاح برای جلوگیری از تجاوز آنها برای ایران چتر دفاعی ایجاد نماید، بهمین مقصد میلیونها دالر به « حزب الله» لبنان و به ارزش نهصد میلیون دالر در پروژه های بازسازی افغانستان سهم گرفته که پنجصد میلیون آن کمک بلا عوض و چهارصد میلیون دالر آن طور قرضه است با اینهم اکتفا نکرده شاید به افراد و گروه های افغان نیز بصورت غیر رسمی پول نقد پرداخته باشد و به جناب کرزی هم پیش کش شده که با سپاس گذاری پذیرفته است و شاید به این دلیل آنرا رد نکرده تا مبادا وضعیت بی اعتمادی بوجود آید و آن پول به رقبایش پرداخته شود که از سوی آنها جنجالی برای حکومتش بوجود آید، البته در برابر این سخاوت حکومت ایران، کرزی هم بارها به گوش

امریکائی ها رسانده که ما اجازه نخواهیم داد که از خاک افغانستان علیه منافع ایران کدام اقدام خرابکارانه و خدشه وارد گردد.

خلاصه طوریکه کرزی گفته اگر واقعاً از پول های اخذ شده غیر رسمی از جانب ایران در جهت منافع ملی افغانستان استفاده شده باشد چند صبا از نظر افکار عامه ارزش بد نام شدن را دارد ولی هنوز زود است باید منتظر گذشت زمان بود و دید که به ادعای کرزی پاسخ مثبت میدهد و یا خیر.

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ